

فناوری‌های ارتباطی جدید، هویت و احساس امنیت اجتماعی (دانشجویان دانشگاه کرمان)

سینا امینی‌زاده^۱، منصور طبیعی^۲

چکیده

این پژوهش، به بررسی رابطه فناوری ارتباطی جدید با نقش واسطه‌گری هویت‌های ملی، مذهبی بر متغیر وابسته امنیت پرداخته است. جامعه آماری این تحقیق دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان است. حجم نمونه با توجه به ماهیت طبقه‌ای جامعه آماری، با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای، ۳۸۰ نفر برآورد و داده‌ها به کمک پرسشنامه جمع‌آوری شد. روایی و اعتبار به کمک آزمون آلفا کرونباخ و اعتبار صوری حاصل گردید؛ همچنین برای آزمون اعتبار مدل پژوهش از نرم‌افزار آموس استفاده شد. تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که هویت ملی و مذهبی می‌توانند نقش واسطه‌گری بین رسانه و امنیت داشته باشند. آنچه قابل توجه است، فناوری ارتباطی نوین، بر امنیت تأثیر مثبت دارد؛ اما زمانی که هویت مذهبی و ملی به‌عنوان واسطه قرار می‌گیرند، تأثیر رسانه بر امنیت منفی می‌شود. این رابطه نشان‌دهنده رابطه مؤثر منفی رسانه ماهواره بر هویت ملی - مذهبی است که به تبع آن، تأثیر منفی بر احساس امنیت می‌گذارد.

واژه‌های کلیدی

امنیت اجتماعی، امنیت قضایی، فناوری ارتباطی نوین، هویت ملی، هویت مذهبی

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۸/۲۱

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۱۷

sinaaminizadeh@yahoo.com

m.tabiee@shirazu.ac.com

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

۲. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

مقدمه

نیاز به حس امنیت، از عمیق‌ترین و حیاتی‌ترین نیازهای انسان‌ها است و در هیچ دوره‌ای از تاریخ، بشر بی‌نیاز از آن نبوده و نخواهد بود. اهمیت امنیت در قالب امنیت اجتماعی منابع قانونی ملی (بیش از ۳۰ بار در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)، منابع بین‌المللی (اعلامیه حقوق بشر، ماده سوم)، اعلامیه معروف حقوق بشر و شهروند فرانسه ۱۷۸۹ و بیانات شخصیت‌های برجسته سیاسی (هابز، لاک، روسو و ...)، علمی (مازلو، بوزان و ...)، به‌کرات مورد تأکید قرار گرفته است.

سؤال مهم این است که حس امنیت چیست؟ مهم‌ترین مرجع امنیتی چیست یا کیست؟ عوامل یا فرایندهای حس امنیت‌زا یا امنیت‌زدا کدام‌اند؟ ... پاسخ یکسانی مورد انتظار نیست؛ رهیافت‌های گوناگون درون و بین‌رشته‌ای پاسخ‌های متفاوتی دارند؛ همچنین پاسخ‌ها در گذر زمان و در طول تاریخ، تغییر و تحولاتی اساسی کرده‌اند. در رویکرد سنتی امنیت (گفتمان امنیت سلبی)، امنیت وضعیتی بود که توسط قدرت برای صیانت مردم در قبال تهدیدات بیرونی تأمین می‌گردید. در این حال تأکید بر نقش امنیتی دولت است (افتخاری، ۱۳۷۸)؛ حس امنیت جنبه سلبی دارد و با نبود عامل دیگری به نام «تهدید» تعریف می‌شود. راهبردهای اصلی امنیت‌افزایی، شامل تقویت توان نظامی برای مقابله و سرکوب دشمنان، تجهیز و تقویت سازوبرگ و توان جنگی توسط زمامداران و دستیابی به حداکثر توان نظامی برای برتری بر دشمنان داخلی و خارجی و کسب امنیت است (نویدنیا، ۱۳۸۸: ۳۰). در این رویکرد نظریه‌پردازانی مانند افلاطون، ارسطو، هابز، فارابی، خواجه نظام‌الملک طوسی قرار دارند. هابز معتقد بود که مردم دولت‌ها را ایجاد کردند تا از آنها در مقابل تهاجم خارجی‌ان و نیز صدمه به یکدیگر دفاع کنند و در نتیجه، چنان امنیتی به وجود بیاورند که بتوانند با کوشش خود و بهره‌گیری از امکانات زمین رشد پیدا کنند و رضایتمندانه زندگی کنند (بیات، ۱۳۸۸). در مقابل رویکرد بالا، رویکرد مدرن امنیت (گفتمان امنیت ایجابی) قرار دارد که در پی نقد جدی مبانی و اصول گفتمان، امنیت سلبی پا به عرصه وجود گذاشت. در این رویکرد، حس امنیت به نبود تهدید تعریف نمی‌شود؛ بلکه، افزون بر نبود تهدید، وجود شرایط مطلوب برای تحقق اهداف و خواست‌های جمعی مدنظر است و امنیت، ماهیتی «تأسیسی» دارد. همچنین، جامعه‌ای که در عین درگیر نبودن با تهدید خارجی یا داخلی، توان لازم را برای دستیابی به منافع جمعی‌اش نداشته باشد، امنیت و حس امنیت ندارد و ناامن گفته می‌شود. گفتمان امنیت ایجابی را باید گفتمانی تازه در حوزه مطالعات امنیتی دانست که بیش از دو دهه از عمر آن

نمی‌گذرد (نویدنی، ۱۳۸۸: ۲۷). در این رویکرد، نگاه به امنیت با عطف توجه به زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی و فرهنگی تعریف می‌شود و علاوه بر فراغت از تهدید که عمدتاً از تهدیدات سخت ناشی می‌شود، حفظ شرایط مساعد برای حفظ هویت اجتماعی و سرمایه‌های اجتماعی جامعه مورد تأکید جدی قرار دارد. این رویکرد به امنیت، با تغییر جهت‌گیری امنیت، از تمرکز صرف بر دولت فراتر رفته و به عموم مردم و بهره‌گیری از ظرفیت و توان جامعه در تولید، حفظ و بازتولید امنیت و «زمینه و بستر اجتماعی» به‌عنوان پشتوانه امنیت ملی توجه دارد. این نوع نگاه به امنیت، با تعبیری چون «امنیت اجتماعی شده» و «امنیت جامعه‌محور»، در ادبیات مطالعات امنیتی وارد شد و فصل جدیدی از مطالعات امنیتی را پدید آورد. از این منظر، امنیت از درون جامعه جوشیده و لذا نه تنها «امنیت داخلی» بلکه حتی «امنیت خارجی»، با عنایت به مناسبات داخلی (بین عناصر مختلف جامعه و حکومت) فهم و درک می‌گردد (بیات، ۱۳۸۸: ۷۸-۷۷)؛ بنابراین، وجه ایجابی امنیت، معطوف به خطر نبوده و بر آرامش، اطمینان و آسایش، به‌عنوان زمینه‌های ایجاد امنیت تأکید می‌شود (نویدنی، ۱۳۸۸: ۲۸).

دگرگونی اساسی دیگر در مطالعات امنیتی، به دگرگونی نظام اجتماعی - سیاسی مسلطِ دوران مدرن (جامعه)، فروپاشی مرزهای دولت‌ملت‌ها، گسترش رسانه‌های جهانی، کاهش اقتدار دولت‌ها و بحث «جهانی‌شدن» مربوط می‌شود. از دهه ۱۹۹۰، امنیت در یک مفهوم «گسترده» مورد توجه قرار گرفت که حاوی چهار شکل اصلی است: اول، مفهوم امنیت رو به پایین، از ملت‌ها به افراد؛ دوم، امنیت به سمت بالا، از ملت‌ها به «جو»؛ سوم، مفهوم امنیت از نظامی به امنیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، محیطی، یا «انسانی» و چهارم، مسئولیت سیاسی برای تأمین امنیت در همه جنبه‌ها، از دولت‌های ملی رو به بالا به سمت نهادهای بین‌المللی، رو به پایین به سمت حکومت ملی و منطقه‌ای و از پهلو به سازمان‌های غیردولتی، افکار عمومی و مطبوعات و به نیروهای انتزاعی طبیعت و بازار، گسترش می‌یابد (Rothchild, 1995: 67). بر این اساس، برخلاف دوران مدرن و جامعه‌شناسی کلاسیک که اصولاً تحلیل مسائل و مباحث امنیتی با تمرکز بر دولت ملت و در چارچوب جامعه صورت می‌گرفت، لزوم توجه به عوامل، روندها و قلمروهای فراجامعه‌ای مرتبط با امنیت تقویت شد. این تحولات فراجامعه، بسیار متأثر از رسانه‌های نوینی است که در جوامع در حال گسترش هستند؛ از جمله می‌توان به رسانه‌های تصویری، چون ماهواره اشاره نمود. گسترش جهانی رسانه‌ها، هرچند

1. Socialized Security
2. Societal Security
3. Biosphere

می‌تواند بر همه فرهنگ‌ها در دورترین نقاط جهان تأثیرگذار باشد، اما تأثیر آن در بعضی از زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی - فرهنگی نمایان‌تر و برجسته‌تر به نظر می‌رسد. بنا به اظهارنظر اکثر اندیشمندان و محققان فرهنگی، در سال‌های اخیر، گسترش رسانه‌های ارتباطی نوین و بعد فرهنگی جهانی شدن، بیشترین پیامدهای فرهنگی - امنیتی را برای ایرانیان، به‌ویژه جوانان فراهم آورده است. پیامدهایی که نسبتاً ناهمگون بوده و در دو جهت جذب یا دفع افراطی رسانه‌های ارتباطی نوین و فرهنگ و ارزش‌های جهانی مدرن بوده است. می‌توان گفت آن بعد از جهانی شدن که ارزش‌های دینی و عرفی ما را به چالش کشیده است و توجه افراد و نهادهای زیادی را در دو جهت طرد و مخالفت یا پذیرش و تأیید، حتی شیفتگی بیش‌ازحد، به خودش معطوف کرده است (امیری، ۱۳۹۰: ۸۷). به تعبیری مسئله مرکزی تعاملات جهانی امروز، تنش بین همگونی و ناهمگونی فرهنگی است (Appadurai, 2001: 41). این تنش، در جامعه ما بر این اساس تشدید می‌شود که در مقابل فرهنگ جهانی که لیبرالیسم، دنیاگرا و آخرت‌گریز است، فرهنگ و اندیشه اسلامی، دارای ماهیتی غیر دنیوی و جغرافیایی است (امیری، ۱۳۹۰)؛ بر این اساس می‌توان گفت، یکی از مهم‌ترین زمینه‌های تأثیرگذار بر وضعیت امنیت و ناامنی جامعه ما که از دیرباز مورد توجه و بررسی نظری (نه / کمتر تجربی) بوده است، مسئله ورود مدرنیته به مثابه یک پدیده «بیرونی» به درون یک نظام اجتماعی - سنتی است؛ که به تعارض «سنت و مدرنیته» انجامیده است و «فرهنگ و انسجام سنتی ایران» را بر هم زده است. حاصل ورود این مهمان ناخوانده، شکل‌گیری دو انقلاب مهم «مشروطه و جمهوری اسلامی» و جنبش‌های اجتماعی متعدد در کشور در کمتر از یک قرن و درهم‌شکسته شدن ذهنیت‌های پیشین مدرن و ایجاد آشوب و پریشانی در سطح اجتماعی و در ذهنیت تک‌تک افراد بوده است.

با وجود اهمیتی که گسترش رسانه‌های ارتباطی در دگرگونی بستر اجتماعی - سنتی ایران داشته است، نمی‌توان پیامدهای امنیتی آن را برای همه افراد و گروه‌های جامعه یکسان تلقی نمود. کسانی که پیامدهای امنیتی گسترش رسانه‌های نوین را یکسان می‌دانند، چند فرض اساسی را نادیده می‌گیرند که تنها در پرتوی توجه و بررسی تجربی می‌توانند ملاحظه شوند. این فرض‌های اساسی شامل موارد زیر هستند:

۱. به تصور آنها، جهانی شدن کالاهای آمریکایی، برابر با فراگیر شدن فرهنگ آمریکایی است. در صورتی که جهانی شدن، موجب نوسان نیروهای همگون‌کننده و همچنین متفاوت‌کننده است؛ به‌گونه‌ای که امور «محلی» و «جهانی» با یکدیگر تلاقی می‌کنند و امتزاج می‌یابند.
۲. آمریکا و جهان سوم، هر دو به‌عنوان یک فرهنگ و مجموعه یکپارچه در نظر گرفته می‌شوند و تمایزات درونی کشورها، گروه‌ها و افراد درون آنها نادیده گرفته می‌شود. البته، آنچه

تجربه ایران را مبهم‌تر می‌کند، این است که بعد از سال ۱۳۵۷، براساس منابع دینی اصیل شکل‌گرفته است که در نتیجه آن، تنوع فراوانی از گفتمان‌های هم‌زمان در قلمرو سیاست و هویت به منازعه مشغول‌اند (کچویان، ۱۳۸۷: ۱۰).

براساس مفروضات، پیش‌زمینه امنیت اجتماعی، گسترش رسانه‌های ارتباطی نوین، تضعیف قلمروهای سنتی امنیت ساز (مانند دولت، جامعه، انسجام فرهنگی) و روزافزونی گروه‌های فرهنگی - اجتماعی درون جامعه ایرانی، می‌توان گفت، هرچند گسترش شبکه رسانه‌ای و به دنبال آن جامعه شبکه‌ای، با تولید و افزایش آگاهی مردم، به تضعیف مسائلی چون دولت ملی و هویت ملی مرتبط با آن منجر می‌شود (عدلی‌پور و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۴۹)، اما پیامدهای امنیتی گسترش رسانه‌ها برای همه گروه‌ها یکسان نیست و نگرانی‌های امنیتی افراد و گروه‌ها در این بستر رسانه‌ای، به واسطه جهت‌گیری‌های هویتی آنها تنوع می‌پذیرد؛ بدین ترتیب که فرض می‌شود، میزان احساس امنیت افراد در این شرایط رسانه‌ای و فرهنگی جدید تا حد زیادی تحت تأثیر میزان پابندی، تعلق و تعهد آنان به هر یک از هویت‌های جمعی دینی، ملی یا علیه این هویت‌ها قرار دارد. هرچند خود منابع هویت‌یابی محلی و سنتی نیز فرصت بروز و ظهور یافته و خاص‌گرایی را دامن می‌زنند و موجب تقویت هویت ملی و مذهبی هستند (امینی‌زاده، بوستانی، ۱۳۹۵: ۱۳۶).

اگر متناسب با نظریه بوزان بپذیریم که امنیت اجتماعی، به قابلیت الگوی سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی مربوط است و امنیت اجتماعی، به حفظ مجموعه ویژگی‌هایی ارجاع دارد که افراد بر مبنای آن خودشان را به‌عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند (بوزان، ۱۳۷۸)، به نظر می‌رسد احساس امنیت یا ناامنی افراد، به واسطه میزان پابندی‌های هویتی آنان تنوع می‌پذیرد. این مقاله براساس فرض نظری بالا، در راستای بررسی تجربی و پاسخگویی به سؤال زیر انجام‌گرفته است:

گسترش رسانه‌های نوین با واسطه‌گری هویت‌های ملی و مذهبی چه رابطه‌ای با احساس امنیت اجتماعی و ابعاد آن دارند؟

پیشینه تحقیق

افتخاری (۱۳۸۰) در مقاله‌ای باعنوان: «نامنی جهانی، چهره دوم جهانی‌شدن»، به ارزیابی پیامدهای امنیتی جهانی‌شدن، به‌ویژه برای کشورهای «جهان سومی» و ازجمله «کشور ما» پرداخته است. جهانی‌شدن یکی از وقایع تاریخ‌ساز دوران اخیر است که با نامنی همراه است. جهانی‌شدن چارچوب ملی‌ای را به مبارزه فرامی‌خواند که «ثبات» و «استقرار» بسیاری از نظام‌ها مبتنی بر آن است و همین امر می‌تواند نویدبخش موج توفنده‌ای از «نامنی» برای این

گروه از واحدهای سیاسی باشد. همه کشورها تحت تأثیر «پروسه» یا «پروژه» جهانی شدن (بسته به توانایی‌ها و امکانات یک کشور) قرار می‌گیرند؛ اما قدرت‌های برتر، این پیوند امنیتی بین دولت‌ها را «فرصت» تلقی می‌کنند؛ حال آنکه برای کشورهای جهان سومی، این پیوند «ام‌المسائل» است؛ زیرا باعث استمرار توسعه‌نیافتگی آنها می‌شود و با فروردن آنها در گرداب مشکلات جهانی، آنها را دچار بحران کارآمدی و به تبع آن «مشروعیت» می‌کند. امام‌جمعه زاده و موسوی (۱۳۸۸) در پرتو مفاهیم خاص گرایبی عام و عام‌گرایی خاص رابرتسون، به تحلیل «جهانی شدن فرهنگ و سیاست در ایران» پرداخته‌اند. آنها می‌گویند: «از اصلی‌ترین عواملی که باعث تقویت خاص‌گرایی در فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران در پی فرآیند جهانی شدن شده است، می‌توان به اصول و اعتقادات دینی، مبانی قانون اساسی و هویت نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد که محدودیت‌های زیادی در پذیرش وجوه سیاسی جهانی شدن، پیش روی می‌گذارد.» فرایند جهانی شدن نسبت به مسائل فرهنگی باعث اتفاق افتادن نگرش عام و جهانی گردیده، اما با توجه به دلایل یادشده در حوزه فرهنگ سیاسی، وضعیت خاصی به وقوع پیوسته و باعث بازتعریف مسائل سیاسی شده است.

براساس تحقیقات تجربی انجام‌گرفته، بین مصرف رسانه‌های جمعی و احساس ناامنی (ربانی و همکاران) و مصرف رسانه‌های ارتباطی نوین و امنیت ملی کشورهای توسعه‌نیافته (رفیع و جانباز، ۱۳۹۲)، رابطه معنی‌داری وجود دارد. براساس تحقیق رستگار خالد و محمدیان (۱۳۹۲)، بین میزان و نوع استفاده از اینترنت و احساس امنیت اجتماعی رابطه منفی وجود دارد و کسانی که از سایت‌های فیلترشده استفاده می‌کنند احساس امنیت اجتماعی پایین‌تری از دیگر استفاده‌کنندگان دارند. همچنین نوع استفاده بیانگر هم احساس امنیت اجتماعی را کاهش می‌دهد. نتایج پژوهش‌های احمدی و همکاران (۱۳۸۹)، نشان می‌دهد که استفاده‌های چند منظوره از تلفن همراه، هویت شخصی مدرن افراد را تقویت می‌کند. براساس مطالعه منطقی و دین‌پرور (۲۰۱۳)، فناوری‌های تلفن همراه و اینترنت در شکل‌گیری هویت پنهان یا غیررسمی کاربران این فناوری‌ها تأثیر دارند. همچنین مطالعه علیزاده و محمدی (۱۳۹۴) نشان می‌دهد که «وایبر»، نوعی افتراق هویتی، برای جوانان و سوزده‌های نسل‌های دیگر به وجود می‌آورد و موجب تقویت شکاف نسلی می‌شود. براساس مطالعه جان‌پرور (۲۰۱۱)، فضای سایبر، دارای ظرفیت‌های منفی بالایی برای به چالش کشیدن و تأثیرگذاری بر امنیت اجتماعی است.

تحقیق ویلسکا و پدروزو^۱ (۲۰۰۷)، در دو کشور فنلاند و برزیل نشان داد که استفاده مردم جوان و نگرش‌های آنها نسبت به ICT در هر دو کشور یکسان است و در هر دو کشور، پیوندهایی بین هویت‌های مصرفی و استفاده از فناوری‌های ICT وجود دارد. نات^۲ (۲۰۰۷)، تحقیقی با روش کیفی، در مورد امنیت هستی‌شناختی و محیط مخاطره جهانی - یک مطالعه موردی مخاطره و درک مخاطره - در شهر توریستی آکاروای^۳ نیوزیلند انجام داد؛ براساس تحقیق وی اجتماع آکارو (هم تاجران و هم مردم عادی)، بیشتر نگران مسائل محلی بودند تا جهانی. مردم بیشتر درباره مسائل نگران هستند که در زندگی اجتماع^۴، شأن حضور ملموس مدنظر است تا فجایع جهانی؛ تصور از مخاطره «گزینشی^۵» است و نه در «خود مخاطره»، بلکه با منافع و تمایلات تصورکننده پیوند دارد. همچنین دو سطح کاملاً مجزای گفتمان‌های مخاطره‌ای وجود داشت؛ گفتمان مخاطره‌ای که در درون قلمرو سیاست و رسانه‌های عمومی برجستگی دارد و گفتمان کاملاً متفاوتی که در درون قلمرو محلی وجود دارد و هر یک درباره مخاطرات متفاوتی نگران هستند.

آلبرز و رنکاتی^۶ (۲۰۰۸)، به صورت تحلیلی - تجربی، به بررسی «عوامل مؤثر بر میزان احساس امنیت در مجتمع‌های مسکونی بزرگ در دو شهر آمستردام هلند و میلان ایتالیا» پرداختند. آنها امنیت را در سه بعد ایمنی، اطمینان و امنیت مطرح می‌کنند. به نظر آنها عوامل بی‌شماری موجب احساس ناامنی می‌شود: دگرگونی شهری و ترس مربوط به «دیگری^۷»، نقش رسانه‌ها در ایجاد و انتشار ترس، حساسیت سیاستمداران، ادغام مخاطرات جهانی در زندگی هر روزه و فرایند فردی شدن. گربر و دیگران^۸ (۲۰۱۰)، با استفاده از تحلیل ثانویه به بررسی ادبیات مربوط به «ناامنی‌های مربوط به جرم در آلمان، استرالیا و هلند»، پرداختند؛ آنها پس از ارزیابی و بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های مربوط به سه کشور و ادبیات زبان آلمانی و انگلیسی، در خصوص جرم و ترس از جرم، به این نتیجه می‌رسند که ناامنی‌های مربوط به جرم تنها یک عامل از دامنه گسترده‌تر ناامنی‌های اجتماعی هستند؛ به نظر آنان، در تحقیقات آتی، باید میزانی

1. Wilska and Pedrozo
2. Nuth
3. Akarao
4. Community
5. Selective
6. Aalbers & Rancati
7. Other
8. Gerber et al

را بررسی کنند که متناسب با آن ناامنی‌های مربوط به جرم در تصورات عمومی، از اضمحلال همسایگی یا در ناامنی‌های انتزاعی‌تر، دربارهٔ جامعه و تغییر اجتماعی ریشه دارند.

مبانی نظری پژوهش

هر یک از فرایندهای هویت‌سازی، به نتیجهٔ متفاوتی در جامعه می‌انجامد و دارای مزایا و فواید، برای کسانی است که دارای آن هویت‌اند. هیچ هویتی نمی‌تواند یک جوهر به شمار آید و هیچ هویتی، به‌خودی‌خود، خارج از متن تاریخی خود، ارزش متریکی یا ارتجاعی ندارد. این پرسش که انواع مختلف هویت‌ها چگونه و به‌دست چه کسی ساخته می‌شوند و چه پیامدی دارند، نمی‌تواند به‌صورت انتزاعی موردبحث قرار گیرد بلکه امری است مربوط به متن و زمینهٔ اجتماعی. در جامعهٔ شبکه‌ای، سوژه‌ها، دیگر براساس جوامع مدنی که در حال فروپاشی هستند بنا نمی‌شوند، بلکه به‌مثابهٔ استمرار مقاومت حمایت‌گرایانه^۱ ساخته می‌شوند. «بنیادگرایی دینی» مهم‌ترین منبع هویت‌ساز در جامعهٔ شبکه‌ای است. عصر جهانی‌شدن، عصر خیزش دوبارهٔ ملی‌گرایان نیز هست؛ این واقعیت را می‌توان هم در مبارزه با دولت‌های ملی مستقر و هم در بازسازی فراگیر هویت بر پایهٔ ملیت مشاهده کرد که همواره در برابر یک اجنبی از آن دفاع می‌شود.

رسانه‌ها و احساس امنیت

هرچند رویکردهای نظری چندگانه‌ای در خصوص تأثیرات رسانه‌ها بر احساس امنیت وجود دارد^۲، در اینجا متناسب باهدف مقاله تنها به دو تا از مهم‌ترین این نظریه‌ها پرداخته می‌شود: رهیافت بزرگ‌نمایی اجتماعی مخاطره^۳ و نظریه امنیت هستی‌شناختی^۴ گیدنز. کسپرسون^۵ و دیگران، رابطهٔ رسانه‌ها و احساس امنیت را براساس «رهیافت بزرگ‌نمایی اجتماعی مخاطره» مطرح کرده‌اند. این رهیافت مخاطره را هم به‌عنوان یک ویژگی عینی یک اتفاق و هم یک سازهٔ اجتماعی^۶، مفهوم‌پردازی می‌کند. بزرگ‌نمایی اجتماعی مخاطره به

1. Communal

۲. برای مثال نظریه‌های تزریقی و گلوله‌ای، نظریه جبرگرایی رسانه‌ای، نظریه کاشت، نظریه تکمله، نظریه ادراک تفاضلی، نظریه تخلیه روانی، نظریه کرختی، نظریه یادگیری اجتماعی، نظریه تبلور، نظریه اثر بلع و ... هر یک پیامدهای امنیتی رسانه‌ها را به‌گونه‌ای خاص به تصویر می‌کشند (برای بحث مبسوط در این خصوص نگاه کنید به عزیز، عبدالمحمیدی، ۱۳۹۰).

3. Social Amplification of Risk

4. Ontological Security

5. Kaspersen et al

6. Social Construct

پدیده‌ای اشاره دارد که به‌وسیله آن، جریان‌های اطلاعات، ساختارهای نهادی، رفتار اجتماعی - گروهی و پاسخ‌های فردی، تجربه اجتماعی از مخاطره را شکل می‌دهند و بدین طریق به پیامدهای مخاطره‌ای کمک می‌کنند. اساس بزرگ‌نمایی اجتماعی، در تجربه اجتماعی مخاطره قرار دارد که هم تجربه شخصی مستقیم و هم تجربه غیرمستقیم حوادث مخاطره‌ای و نظام‌های مدیریت مخاطره را در برمی‌گیرد. بدین ترتیب بزرگ‌نمایی اجتماعی مخاطره، شامل دو مرحله است: جریان اطلاعات درباره مخاطره، تفسیر آن و پاسخ به اطلاعات مخاطره‌ای؛ این اطلاعات یا نتیجه تجربه مستقیم حوادث مخاطره‌ای است یا از طریق آموختن از دیگر اشخاص یا از طریق رسانه‌ها، درباره مخاطرات. ویژگی‌های اصلی اطلاعات، حجم، درجه نمایشی، دلالت‌های نمادین آنان و میزانی است که آن اطلاعات مورد منازعه و مخالفت قرار می‌گیرند. در مرحله دوم، حوادث مخاطره‌ای در تعامل با فرایندهای روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی تصورات عمومی، از مخاطره و رفتار مربوط به مخاطره را تشدید یا رقیق می‌کنند. براساس این چارچوب، حوادث و اتفاقات معینی که متخصصان، مخاطره آنها را نسبتاً پایین تصور می‌کنند، می‌توانند مرکز نگرانی یک جامعه شوند (بزرگ‌نمایی مخاطره‌ای)؛ درحالی‌که دیگر اتفاقات که متخصصان به‌گونه‌ای جدی آنها را موردتوجه قرار می‌دهند، توجه عمومی کمتری را جلب می‌کند (تقلیل مخاطره‌ای)؛ این تئوری، با تأثیرپذیری از تئوری ارتباطات کلاسیک، از اصطلاح «ایستگاه‌های اجتماعی»^۱ برای بیان استعاره بزرگ‌نمایی استفاده می‌کند. تصور «ایستگاه»، اشاره دارد که اطلاعات مربوط به مخاطره از طریق گرهی^۲ (ایستگاه) در نظام جریان می‌یابد که می‌تواند شکل تازه‌ای به اطلاعات (برای مثال فیلتر کردن، تأکید مجدد، تفصیل، برجسته کردن و غیره) داده و میزان تأثیرگذاری آنها را تغییر دهد (Kasperson, et al, 1988).

به نظر گیدنز، امروزه، رابطه بین افراد و جوامع در نتیجه «مدرنیزاسیون و جهانی شدن»، بسیار مبهم شده و فرایندهای «ازجاکنندگی، فاصله‌گیری زمانی - فضایی و دانش‌بازاندیشانه مختص زندگی اجتماعی مدرن»، هر چهار کانون اصلی اعتماد و امنیت وجودی ماقبل مدرن را تضعیف کرده است (گیدنز، ۱۳۸۰: ۹۳-۹۰). گیدنز، جهانی شدن را به‌عنوان تشدید روابط اجتماعی جهانی تعریف می‌کند؛ همان روابطی که موقعیت‌های مکانی دور از هم را چنان به هم پیوند می‌دهد که هر رویداد محلی تحت تأثیر رویدادهای دیگری که کیلومترها با آن فاصله دارند، شکل می‌گیرد و برعکس (گیدنز، ۱۳۸۰: ۷۷). جهانی شدن تمایل دارد آن چارچوب حفاظتی اجتماعات کوچک و سنتی را تحلیل برَد و آنها را با سازمان‌های خیلی بزرگ‌تر و

1. Social Stations

2. Node

غیرشخصی جایگزین کند. فرد، در جهانی که او بدون حمایت روان‌شناختی و احساس امنیتی است و قبلاً توسط جایگاه‌های سنتی‌تر برایش فراهم می‌شد، احساس تنهایی و بی‌کسی می‌کند (Giddens, 1991). امنیت وجودی، به وضعیت ذهنی راحت و مناسبی اشاره دارد که فرد در آن به فعالیت‌های بدیهی، در محیطی آشنا، به همراه افراد دیگری که تهدیدی برای او به وجود نمی‌آورند، مشغول است. یکی از مهم‌ترین نتایج و آثار گسترش رسانه‌های جهانی، به‌ویژه اینترنت و ماهواره، پیامدهای امنیتی آن است. متناسب با نظر گیدنز می‌توان گفت، این رسانه‌ها «نظم و امنیت هستی‌شناختی سنتی و قدیمی» جوامع را دگرگون کرده و رهواره‌های زمانمند - مکانمند جهت دهنده اعمال افراد را بر هم زده‌اند. رهواره‌هایی که مبتنی بر سیطره خویشاوندی، سنت، دین و هنجارهای محلی بودند و زمینه امنیت و آرامش فردی را فراهم می‌کردند (گیدنز، ۱۳۸۰: ۸۰).

رسانه‌های ارتباطی نوین، هویت و احساس امنیت اجتماعی

یکی از ضعف‌های اساسی تئوری‌هایی که بر امنیت یک جامعه تأکید دارند، این است که براساس «درک دوران مدرن از مفهوم جامعه^۱»، استوار هستند؛ که در آن جامعه به‌صورت «بستگی نظام‌های اجتماعی» فرض می‌شد که در محدوده‌های سرزمینی و قلمروهای دولت - ملت‌های متمایز جای گرفته‌اند؛ به‌علاوه، جامعه را توده‌ای یکدست^۲ فرض می‌کرد و تعدد و تنوع گروه‌های اجتماعی درون جامعه‌ای را نادیده یا بی‌اهمیت تلقی می‌کرد. در صورتی که می‌دانیم هر دو فرض بالا در دوران «مدرنیته متأخر» تا حد زیادی اعتبارشان را از دست داده‌اند. در خصوص فرض جامعه، گیدنز معتقد است، ما باید «مسئله سامان» را از نو بدین‌سان صورت‌بندی کنیم که چگونه نظام‌های اجتماعی، زمان و مکان را به هم پیوند می‌دهند. در اینجا مسئله سامان، به‌عنوان یک نوع فاصله‌گیری زمانی - مکانی در نظر گرفته می‌شود؛ یعنی شرایطی که تحت آن، زمان و مکان چنان سازمان می‌گیرند که حضور و غیبت به هم وصل می‌شوند (گیدنز، ۱۳۸۰: ۸۱)؛ در خصوص فرض دوم هم اندیشمندان معتقدند، «تفاوت‌های فرهنگی درون ملی»، می‌توانند از تفاوت‌های بین فرهنگی برجسته‌تر باشند و فرض همگونی فرهنگی در درون یک ملت، فرضی اشتباه است (Tung, 2008).

ترکیب این دو فرض با یکدیگر (بسته نبودن مرزهای جامعه‌ای و یکدست نبودن گروه‌های فرهنگی درون جامعه‌ای) به‌عنوان اساس شرایط زمینه‌ای مرتبط با احساس امنیت اجتماعی افراد موردبررسی در نظر گرفته شده‌اند که در ادامه به‌صورت مختصر به بیان نظری آن پرداخته

1. Society

2. Uniform

می‌شود. بدون شک، یکی از مهم‌ترین عوامل دگرگون‌کننده سامان جامعه‌ای و تحقق پیوند زمان - مکان در محدوده‌ای فراجمعه‌ای و جهانی، رسانه‌های ارتباطی نوین هستند. می‌توان گفت، ابزارهایی که در آن، فرهنگ برای تبادل افکار و مبادله پیام‌ها بکار گرفته می‌شود، قلمرویی جهانی پیدا کرده‌اند. تا جایی که کسانی از اینترنت، به‌عنوان ابزاری نام برده‌اند که ساختی جهانی و در قلب «دومین» تحول بزرگ جهانی قرار دارد، موجب گسترش مدرنیته به اقصی نقاط جهان گردیده و همه حوزه‌های زندگی را تحت تأثیر قرار داده است. به نظر کاستلز، شبکه اینترنت، ستون فقرات ارتباطات جهانی، از دهه ۱۹۹۰ به بعد است، چراکه به تدریج بیشتر شبکه‌های اجتماعی را به یکدیگر پیوند خواهد داد. انتشار اینترنت و شبکه‌های ارتباطی کامپیوتری به تدریج فرهنگ کاربران شبکه و حتی الگوهای ارتباطی آینده را نیز شکل می‌دهد. فرآیند جهانی شدن و به دنبال آن جامعه شبکه‌ای، با تولید و رشد آگاهی در مردم به تضعیف مسائلی چون دولت ملی و هویت ملی مرتبط با آن منجر می‌شود (Castells, 2000: 94). روند «جهانی شدن» و «غیر ملی شدن» را یک «گسست اساسی» جدید می‌داند که احتمالاً به شکل‌گیری شکاف‌های ساختاری جدید، در درون و بین زمینه‌های ملی می‌انجامد. تضعیف و آزاد شدن مرزهای ملی به میزانی بی‌سابقه می‌شود که هرچند از آن با عنوان جهانی شدن یاد می‌شود، مستلزم تغییراتی واقعی در حوزه زندگی اجتماعی، براساس سه معیار دامنه^۱، سرعت^۲ و شناخت^۳ است (Kinnvall, 2002: 117). برحسب دامنه، تعداد پیوندهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بین جوامع، زیادتر از هر دوران تاریخی درگذشته شده است؛ برحسب سرعت، جهانی شدن مستلزم یک فشرده‌گی زمان و فضا است که هرگز قبلاً تجربه نشده است؛ برحسب شناخت، یک تصور افزایش یافته از جهان، به‌عنوان یک مکان کوچک‌تر وجود دارد؛ بر این اساس «قلمرو زدایی شدن زمان و فضا»، زندگی روزانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در جهانی که موانع سرزمینی تحلیل می‌روند، جستجو برای هویت‌های ثابت مقید به زمان و فضا، به روشی برای برآمدن از عهده تأثیرات زندگی مدرن تبدیل شده است؛ بدین ترتیب جهانی شدن برحسب انتقال افزایش یافته کالاها، خدمات، فناوری، مرزها، ایده‌ها و مردم، پیامدهای اقتصادی و اجتماعی واقعی دارد. گسترش ارزش‌های دموکراتیک، بی‌نظمی اجتماعی را در بخش‌های زیادی از جهان تحت تأثیر قرار داده است. هنجارهای برابری و برابرگرایی،

1. Denationalization
2. Globalization
3. Scale
4. Speed
5. Cognition

ساختارهای سلسله مراتبی قبلی را در جوامع زیادی نامشروع کرده‌اند. الگوهای قدیمی رفتار، تحلیل می‌روند، همچنان که روابط قدرت سنتی، برابرگرایانه شده‌اند. دو پیامد مهم برای این وضعیت وجود دارد: ۱. بی‌اطمینانی ناشی از تضعیف یا ناپدید شدن راه‌های قدیمی انجام‌دادن چیزها و ۲. تحلیل رفتن ساختارهای تعریف‌کننده و پیونددهندهٔ اجتماع که تأثیری متلاشی‌کننده دارد. دو پیامدی که اختلال‌گر هستند و نشان می‌دهند، چگونه جهانی شدن، نهایتاً به امنیت مربوط می‌شود (Kinnvall, 2004: 752-758). بر این اساس می‌توان گفت، در سال‌های اخیر گسترش جهانی رسانه‌های ارتباطی نوین ICT، یکی از مهم‌ترین عوامل دگرگونی نظام‌های جامعه‌ای هستند که پیامدهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی متنوع و متفاوتی دارند و می‌توانند پیامدهایی برای احساس امنیت افراد داشته باشند (Boomen et al, 2009). تلفن‌های همراه و اینترنت، به‌عنوان دو نمونه از این رسانه‌ها، تصور زمان و فضا را تغییر داده‌اند، راه‌های کلیدی ارتباط، تعامل و فراغت شده‌اند. اولی اشکال سابق ارتباط را تغییر شکل داده تا اینکه جایگزین آنها شود (Ling & Horst, 2011) و دومی به ظهور شبکه‌های اجتماعی متفاوتی مانند فضای من، یوتیوب، فیس‌بوک، بازی‌های آنلاین^۱ منجر شده که برآیندهای منفی و مثبتی برای جوامع دارد. البته رسانه‌های ارتباطی نوین، به سهم خود، موجب خلق «شکاف‌های اجتماعی جدید» یا «تشدید شکاف‌های اجتماعی موجود» شده‌اند. به‌ویژه در کشورهای جهان سوم، تعداد زیادی از مردم وجود دارند که دسترسی محدودی به فناوری‌های جدید دارند تا دسترسی‌هایی که اکثریت مردم در کشورهای صنعتی به این فناوری‌ها دارند (Cooper & Weaver, 2003). در نتیجه، امروزه با افزایش دامنه و کنترل ناپذیری رسانه‌های نوین ارتباطی، نه توسط دولت‌ها، نه توسط خانواده‌ها، ایجاد شکاف‌های دیجیتالی جدید و پیامدهای فرهنگی متعدد آن، از جمله تضعیف یکدستی درون جامعه‌ای را نمی‌توان نادیده گرفت و نسبت به «تفاوت‌ها و رفتارهای فرهنگی خرده گروه‌های گوناگون درون ملت‌ها» بی‌توجه بود و از تنوعات فرهنگی در درون یک ملت چشم‌پوشی کرد. در چنین شرایطی است که بعضی از شیوه‌های زندگی یا انواعی از هویت‌های اجتماعی ممکن است از طریق سیاست‌هایی که به نام یک نوع سیاست امنیتی مشروعیت یافته‌اند، تهدید شوند؛ سیاست‌هایی که برای نظم و امنیت اجتماعی مناسب منفی دارند. برای مثال، امنیتی کردن مخفیانه و کنترل اجتماعی شدید جامعه توسط دولت در اکثر کشورهای اروپای شرقی در طول جنگ سرد، دلیل اصلی از هم گسیختن نظم اجتماعی‌شان بود. بر این اساس می‌توان گفت گسترش کمیت و کیفیت رسانه‌های ارتباطی نوین به اقصی نقاط جهان، زمینهٔ تحولات ساختاری را فراهم

نموده‌اند که با خلق «پویش‌های تعاملی جدید» می‌توانند تصورات از خود^۱ افراد و گروه‌ها را تغییر داده و به تغییر و بسیج مقوله‌های هویتی منجر شوند. تغییر در مقوله‌های هویتی که به سهم و نوبه خود می‌توانند به تغییر در «فهم و عادت واژه^۲ جمعی و امکان‌پذیری ذهنی تجارب مشترک» بیانجامد. بر این اساس برخلاف جوامع سنتی، در جوامع پیچیده مدرن، نه تنها یک نظام مقتدر واحد، بلکه چندین نظم نمادین^۳ رقیب می‌توانند هم‌زمان وجود داشته باشند که در درون نهادها یا «میدان‌های» خاص در تنش با یکدیگر هستند. در این حالت، افراد نه براساس تمایزهای طبقاتی که براساس «تمایز فرهنگی» خودشان را تعریف می‌کنند. تمایز یابی فرهنگی که در بیشتر مواقع از تمایزیابی طبقه‌ای متابعت نمی‌کند. به‌طور رادیکال‌تر، جوامعی وجود دارند که در آن‌ها شخص نه تنها گونه‌های رقیبی از نظم نمادین را می‌بیند، بلکه دو نظم نمادین متفاوت در درون نهادهای اجتماعی عمیقاً متنازع را مشاهده می‌کند. این تمایزات نمادین، هنگامی بدهت و شدت دارند که شخص از تقسیمات طبقاتی به سمت تقسیمات قومی - ملی یا مذهبی حرکت می‌کند (بورديو، ۱۳۹۰: ۴۰۲-۳۹۹). در این حالت، افراد نه براساس تمایزهای طبقاتی که براساس «تمایز فرهنگی» خودشان را تعریف می‌کنند. تمایز یابی فرهنگی که در بیشتر مواقع از تمایزیابی طبقه‌ای متابعت نمی‌کند. به‌طور رادیکال‌تر، جوامعی وجود دارند که در آن‌ها، شخص نه تنها گونه‌های رقیبی از نظم نمادین را می‌بیند، بلکه دو نظم نمادین متفاوت در درون نهادهای اجتماعی عمیقاً متنازع را مشاهده می‌کند. این تمایزات نمادین هنگامی بدهت و شدت دارند که شخص، از تقسیمات طبقاتی به سمت تقسیمات قومی - ملی یا مذهبی حرکت می‌کند (بورديو، ۱۳۹۰: ۳۹۹-۳۹۵). به بیان اپادورای، به شکل‌گیری و حتی تشدید نوعی تنش، بین «همگونی و ناهمگونی فرهنگی» (Appadurai, 2001: 43) در درون جامعه انجامیده است. پیامد و چالش امنیتی این تنش فرهنگی، زمانی دوچندان می‌شود که نظام سیاسی خاص و دینی‌ای که در جمهوری اسلامی ایران ایجادشده، همواره کوشیده است، از نفوذ فرهنگ غربی در ایران جلوگیری کند و به‌جای آن غنای فرهنگ ایرانی - اسلامی را اشاره می‌کند (امام‌جمعه‌زاده و موسوی، ۱۳۸۸: ۸۳). فرهنگ و اندیشه اسلامی که در مقابل و برخلاف فرهنگ لیبرالیسم که ماهیتاً فرهنگ دنیاگرا و آخرت‌گریز است، دارای ماهیتی غیر دنیوی و جغرافیایی است (امیری، ۱۳۹۰: ۸۷).

براساس اندیشه‌های نظری بالا می‌توان منطق نظری هدایتگر فرضیه‌های تجربی این مقاله را چنین طرح کرد که: «کمیت و کیفیت استفاده از رسانه‌های ارتباطی نوین دارای تأثیر،

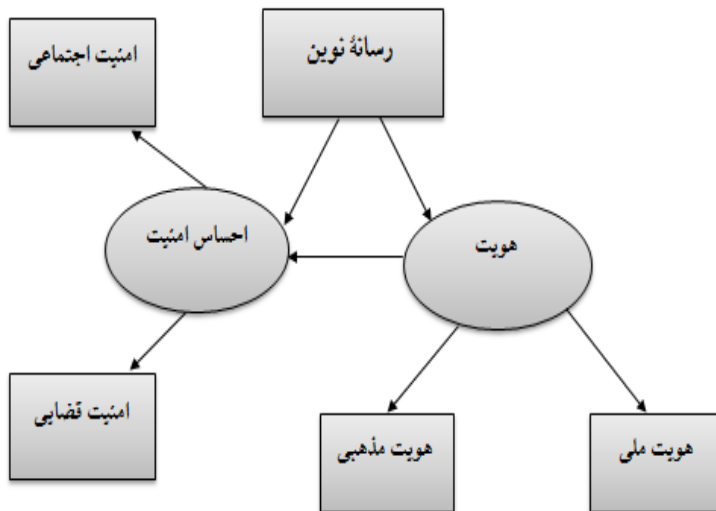
1. Self- Conceptions
2. Habitus
3. Symbolic Order

به نوعی هویت جمعی (دینی، ملی) می‌انجامد که میزان پایداری به هر یک از این هویت‌های جمعی، به نوبه خود، می‌تواند وضعیت احساس امنیت پاسخ‌گویان را تحت تأثیر قرار دهد.» بنابراین فرضیه اساسی، تحقیق عبارت است از اینکه: «بین میزان استفاده از رسانه‌های ارتباطی نوین با احساس وجود واسطه هویت‌های ملی و مذهبی رابطه معنی‌دار و مؤثری وجود دارد.» حال فرضیه بالا می‌تواند به قسمت‌های خرد و جزئی نیز اشاره کند:

الف) بین رسانه و احساس امنیت، رابطه معنادار و مؤثری وجود دارد؛

ب) بین رسانه و هویت‌ها، رابطه معنادار و مؤثری وجود دارد؛

ج) بین هویت و امنیت، رابطه معنادار و مؤثری وجود دارد؛



مدل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش پژوهش

این پژوهش مبتنی بر روش پیمایش و ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه بوده است. متغیر وابسته و برخی از متغیرهای مستقل، براساس طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفته‌اند. به منظور تحلیل اولیه داده‌ها از نرم‌افزار اسپاس استفاده شد؛ به منظور استخراج تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل و واسط بر متغیر وابسته از آزمون معادلات ساختاری با نرم‌افزار آموس ۲۲ کمک گرفته شد. جامعه آماری در این پژوهش، دانشجویان دانشگاه باهنر کرمان بوده‌اند که تعداد آنها در سال تحصیلی ۱۳۹۵، حدود ۱۷ هزار نفر بوده است. حجم نمونه نیز براساس

فناوری‌های ارتباطی جدید، هویت و ... ❖ ۱۳۳

جدول لین (۱۹۷۶) و در نظر گرفتن ۵ درصد احتمال خطای نمونه‌گیری و سطح اطمینان ۹۵ درصد، ۳۸۰ نفر تعیین شد. نمونه‌ها با توجه به طبقه‌ای بودن جامعه آماری، از دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان، در مقاطع کارشناسی و تحصیلات تکمیلی، به شیوه طبقه‌بندی انتخاب گردیدند.

پرسشنامه پس از طراحی، جهت اعتبار صوری، در اختیار متخصصان خبره قرار گرفته و اصلاحات لازم لحاظ شده است. پایایی پرسشنامه از طریق محاسبه آلفای طیف‌های مورد نظر حاصل شد که ضرایب آن عبارت‌اند از:

رسانه نوین: ۸۱ درصد، هویت مذهبی: ۷۸ درصد، هویت ملی: ۸۶ درصد، امنیت اجتماعی: ۶۳ درصد و امنیت قضایی: ۷۸ درصد محاسبه شده که شامل ۱۳ گویه در قالب طیف لیکرت بوده است.

تعریف متغیرها

رسانه‌های نوین: مجموعه متمایزی از فناوری ارتباطی است که خصایص معینی را در کنار نو شدن، امکانات دیجیتال و در دسترس بودن وسیع، برای استفاده شخصی به‌عنوان ابزارهای ارتباطی دارا هستند. به‌طور مشخص، توجه بر مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی متمرکز است که تحت عنوان اینترنت و ماهواره، به‌ویژه در موارد استفاده همگانی آن شامل اخبار آنلاین، آگهی‌های بازرگانی، استفاده از برنامه‌های تولیدی، مانند دانلود موسیقی و موارد مشابه، مخاطب بودن و شرکت در بحث‌ها، گفت‌وگوها، جست‌وجوی اطلاعات و شکل‌های ارتباطی است (مک کوایل، ۱۳۸۷).

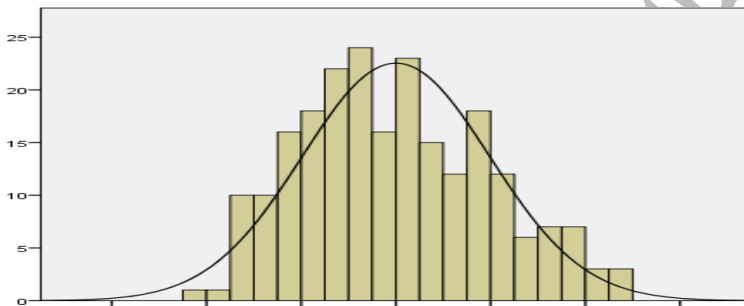
هویت مذهبی: به آن قسمت از هویت فرد برمی‌گردد که مرتبط با فعالیت و اعتقادات مذهبی است و در دو بعد اعتقادی و مناسکی ظاهر می‌شود.

هویت ملی: احساس تعلق و وفاداری به عناصر و ارزش‌های ملی که در این پژوهش در قالب دو بعد اعتقادی به وطن‌پرستی و عمل به وطن‌پرستی است.

احساس امنیت: همانند بسیاری از مفاهیم دیگر در حوزه علوم اجتماعی، تعریف واحدی ندارد. از نظر لارنس مارتین عبارت است از تضمین رفاه آتی (پیلتن، ۱۳۸۳) و از نظر ولفرز انرا، فقدان تهدید نسبت ارزش‌های مکسوب می‌داند (افروغ، ۱۳۷۹).

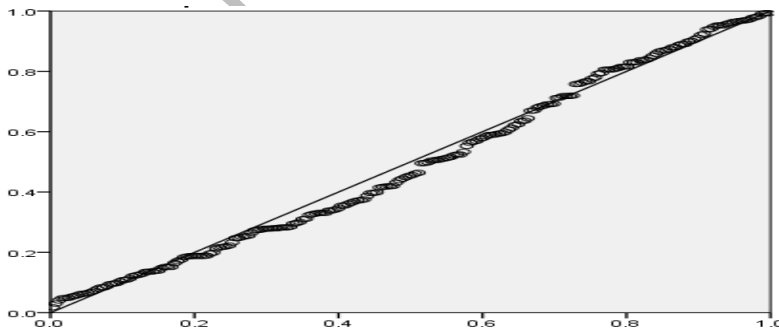
یافته‌های پژوهش

از آنجایی که در تحقیق مذکور، بنا بر استفاده از معادلات ساختاری است، چندین نکته دارای اهمیت است؛ ابتدا اینکه داده پرت و بی‌ربطی در مجموع داده‌های ما وجود نداشته باشد که این کار در پالایش داده‌ها، به‌طور کامل صورت گرفته است. همچنین، توزیع متغیرهای ما کاملاً نرمال باشد. البته مبنای معادلات ساختاری، براساس رگرسیون خطی است؛ پس باید از خطی بودن رابطه مطمئن شد.



مدل ۲. توزیع نرمال متغیر

همان‌طور که مدل شماره ۲ نشان می‌دهد، توزیع نرمال متغیرها وجود دارد. شاخص توزیع بین ۳ و -۳ است که این خود حاکی از نرمال بودن توزیع است.



مدل ۳. خطی بودن رابطه

همان‌طور که مدل شماره ۳ نشان می‌دهد رابطه بین متغیرهای موردنظر خطی است. به‌نوعی توزیع فراوانی متغیرها را با شیب نمایش می‌دهد.

یافته‌های استنباطی

در این بخش، برای تعیین چگونگی روابط میان متغیرهای تحقیق، فرضیات تحقیق به آزمون گذاشته می‌شوند. فن‌های بکار گرفته شده براساس سطح سنجش متغیرها انتخاب شده است.

جدول ۱. رابطه همبستگی پیرسون بین هویت مذهبی و ماهواره

نتیجه	متغیر مستقل (ماهواره)		متغیر وابسته
	سطح معنی‌داری	مقدار همبستگی	
تأیید	۰/۰۰۰	-۰/۲۵۷	هویت مذهبی

همان‌گونه که اطلاعات در جدول نشان می‌دهد، بین متغیر هویت مذهبی و ماهواره رابطه معناداری وجود دارد و جهت رابطه، منفی است. ضریب همبستگی رابطه، معادل ۲۵۷ درصد، با جهت منفی و معنادار ۰۰۰ درصد است؛ به این معنا است که با افزایش استفاده از رسانه نوین به‌خصوص ماهواره، میزان هویت مذهبی کاهش پیدا می‌کند و برعکس آن نیز هم صادق است.

جدول ۲. رابطه همبستگی پیرسون بین ماهواره و هویت ملی

نتیجه	متغیر مستقل (ماهواره)		متغیر وابسته
	سطح معنی‌داری	مقدار همبستگی	
تأیید	۰/۰۰۰	-۰/۳۴۵	هویت ملی

آزمون پیرسون، بین دو متغیر هویت ملی و ماهواره، نشان می‌دهد که رابطه بین این دو متغیر معنی‌دار است؛ اما جهت رابطه، منفی است. ضریب همبستگی رابطه برابر است با ۳۴۵ درصد و ضریب معنادار آن، برابر است با ۰۰۰ درصد، به این معنی است که با افزایش استفاده از ماهواره، هویت ملی هم تضعیف می‌گردد.

جدول ۳. رابطه همبستگی پیرسون بین ماهواره و امنیت قضایی

نتیجه	متغیر مستقل (ماهواره)		متغیر وابسته
	سطح معنی‌داری	مقدار همبستگی	
عدم تأیید	۰/۷۰۴	-۰/۰۲۶	امنیت قضایی

طبق اطلاعات حاصل شده از بررسی رابطه بین متغیر ماهواره و امنیت قضایی از طریق فرمول پیرسون، رابطه بین این دو متغیر، معنی دار نیست؛ اما جهت رابطه، منفی است. ضریب همبستگی رابطه، برابر است با ۰۲۶ درصد و ضریب معنادار آن، برابر است با ۷۰۴ درصد است.

جدول ۴. رابطه پیرسون بین ماهواره و امنیت اجتماعی

نتیجه	متغیر مستقل (ماهواره)		متغیر وابسته
	سطح معنی داری	مقدار همبستگی	
عدم تأیید	۰/۰۷۸	۱۱۸- درصد	امنیت اجتماعی

رابطه بین دو متغیر امنیت اجتماعی و ماهواره معنی دار نیست و جهت رابطه نیز منفی است. به این صورت که ضریب معناداری این رابطه برابر است با ۰۷۸ درصد و ضریب همبستگی آن نیز ۰۲۶ درصد منفی است.

جدول ۵. رابطه پیرسون بین هویت مذهبی و هویت ملی

نتیجه	متغیر مستقل (هویت مذهبی)		متغیر وابسته
	سطح معنی داری	مقدار همبستگی	
تأیید	۰/۰۰۰	۴۰۹ درصد	هویت ملی

رابطه پیرسون بین این دو متغیر نشان می دهد که دارای ضریب معنادار بالایی هستند و جهت رابطه نیز مثبت است؛ همچنین ضریب همبستگی آنها معادل ۴۰۹ درصد است؛ به این معنی که با افزایش هویت ملی، هویت مذهبی نیز در میان دانشجویان، افزایش می یابد.

جدول ۶. رابطه پیرسون بین هویت مذهبی و امنیت قضایی

نتیجه	متغیر مستقل (هویت مذهبی)		متغیر وابسته
	سطح معنی داری	مقدار همبستگی	
تأیید	۰/۰۰۰	۳۲۸ درصد	امنیت قضایی

همان گونه که جدول نشان می دهد. رابطه پیرسون بین دو متغیر هویت مذهبی و امنیت، تأیید شده است و جهت رابطه، مثبت است. ضریب همبستگی رابطه، برابر است با ۳۲۸

فناوری‌های ارتباطی جدید، هویت و ... ❖ ۱۳۷

درصد و ضریب معنادار آن نیز برابر است با ۰۰۰ درصد که نشان می‌دهد، با افزایش هویت مذهبی، امنیت قضایی در میان دانشجویان افزایش می‌یابد.

جدول ۷. رابطه پیرسون بین هویت مذهبی و امنیت اجتماعی

نتیجه	متغیر مستقل (هویت مذهبی)		متغیر وابسته
	سطح معنی داری	مقدار همبستگی	
تأیید	۰/۰۰۰	۲۹۷ درصد	امنیت اجتماعی

رابطه پیرسون بین دو متغیر هویت مذهبی و امنیت اجتماعی، نشانگر وجود رابطه معنادار و مثبتی است. ضریب معنادار این رابطه ۰۰۰ درصد و ضریب همبستگی آن برابر است با ۲۹۷ درصد؛ در واقع با افزایش و تقویت هویت مذهبی، امنیت اجتماعی نیز نزد دانشجویان افزایش می‌یابد.

جدول ۸. رابطه پیرسون بین هویت ملی و امنیت قضایی

نتیجه	متغیر مستقل (هویت ملی)		متغیر وابسته
	سطح معنی داری	مقدار همبستگی	
تأیید	۰/۰۰۰	۲۷۱ درصد	امنیت قضایی

رابطه پیرسون، بین دو متغیر هویت ملی و امنیت قضایی، بیانگر این است که دو متغیر باهم، داری رابطه معنی دار و مثبتی هستند و جهت رابطه نیز مثبت است. ضریب همبستگی در این رابطه، برابر است با ۲۷۱ درصد و ضریب معنادار آن برابر است با ۰۰۰ درصد که به معنی وجود رابطه معنادار است و با افزایش هویت ملی نیز امنیت قضایی تقویت می‌شود.

جدول ۹. رابطه پیرسون بین هویت ملی و امنیت اجتماعی

نتیجه	متغیر مستقل (هویت ملی)		متغیر وابسته
	سطح معنی داری	مقدار همبستگی	
تأیید	۰/۰۰۰	۲۷۶ درصد	امنیت اجتماعی

بر طبق اطلاعات جدول مزبور، رابطه میان دو متغیر معنادار و دارای جهت مثبت است؛ به این معنی که با افزایش هویت ملی، امنیت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. ضریب معنادار رابطه برابر است با ۰۰۰ درصد و ضریب همبستگی آن نیز ۲۷۶ درصد است. با افزایش هویت ملی، امنیت اجتماعی نیز تقویت می‌شود.

جدول ۱۰. رابطه پیرسون بین امنیت اجتماعی و امنیت فضایی

نتیجه	متغیر مستقل (امنیت قضایی)		متغیر وابسته
	سطح معنی داری	مقدار همبستگی	
تأیید	۰/۰۰۰	۵۱۸ درصد	امنیت اجتماعی

رابطه بین دو متغیر امنیت قضایی و امنیت اجتماعی؛ بیانگر رابطه معنی دار بین این دو متغیر است. ضریب همبستگی دو متغیر برابر است با ۵۱۸ درصد و ضریب معنادار آن برابر است با ۰۰۰ درصد، به این معنی که با افزایش امنیت قضایی، امنیت اجتماعی افزایش و رابطه معکوس آن‌هم صادق است.

بنا به مدل‌سازی معادلات ساختاری، پرسش این است که آیا داده‌های تجربی گردآوری شده، از مدل نظری حمایت می‌کنند یا خیر. برای همین، در این روش، تعدادی شاخص به‌عنوان شاخص برازش معرفی می‌شوند که نشان‌دهنده میزان همخوانی مدل نظری و داده‌های تجربی هستند.

از نظر گروه متخصصان دانشگاه ایالتی کالیفرنیا شمالی، به چند دلیل قضاوت درباره برازش مدل، اگر صرفاً بر مبنای مربع کا و سطح معنی داری باشد می‌تواند گمراه‌کننده باشد. پژوهشگر اغلب نیازمند توجه به شاخص خاصی برازش برای تصمیم‌گیری نهایی است (قاسمی، ۱۳۸۸). شاخص مربع کا به‌عنوان یکی از شاخص‌ها برای قابل قبول بودن مدل است. شوماخر و لومکس، مقادیر بین ۱ تا ۵ و حتی گاهی مقادیر بین ۱ تا ۳ و ۱ تا ۲ را قابل قبول دانسته‌اند. در این مدل، مربع کا بر درجه آزادی ۱/۴۶ است.

شاخص دیگری که استفاده شده است، شاخص برازش هنگامی مقصد است. اغلب مقادیر بالای ۵۰ درصد یا ۶۰ درصد را مناسب تلقی کرده‌اند (قاسمی، ۱۳۹۲). در این مدل نیز PCFI و PNI، دارای مقادیر نزدیک ۵۰ درصد هستند که برای تدوین مدل قابل قبول است. شاخص بعد، شاخص تطبیقی است که هر چه عدد به یک نزدیک‌تر باشد، مدل تأیید می‌شود. در اینجا مثال CFI، ۹۹ درصد است که نشان‌دهنده برازندگی بالای مدل است. سایر معیارهای برازش، در جدول زیر آورده شده است.

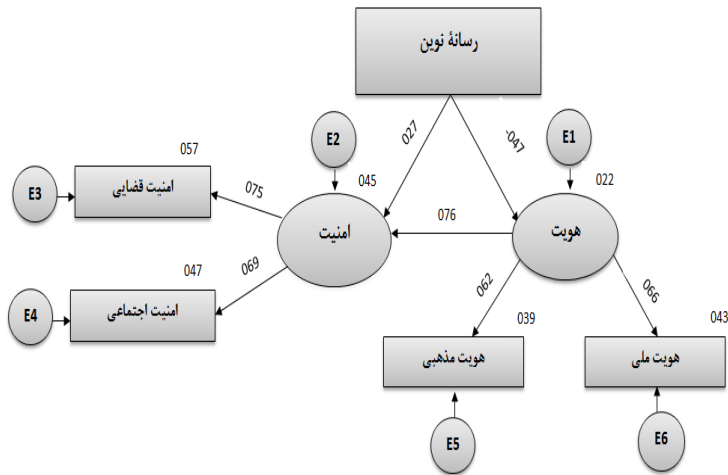
جدول ۱۱. شاخص‌های برازندگی

شاخص برازش	CMI N/DF	TLI	CFI	PCFI	PN FI	RMS EA	NFI	RFI	IFI	GFI
مقدار برازش	۱/۴۶	/۹۷	/۹۹	/۴۰	/۳۹	/۴۶	/۹۷	/۹۲	/۹۹	/۹۹

با توجه به برازش کلی مدل، نوبت به برازش جزئی می‌رسد. برای این منظور دسته‌ای دیگر از شاخص‌ها، باعنوان شاخص‌های برازش جزئی در مدل‌سازی معادلات ساختاری موردبررسی قرار می‌گیرند. منظور معناداری ضریب هر رابطه تعریف شده در مدل موردتوجه قرار می‌گیرد.

پایه اصلی مدل‌سازی معادلات ساختاری بر روی رگرسیون قرار دارد؛ برای این منظور، ضریب معنادار هر رابطه تعریف شده در مدل، موردتوجه قرار می‌گیرد. در خروجی Amos، بخش دیگری از خروجی‌ها به معناداری این روابط رگرسیونی می‌پردازد. بنا به مدل مفهومی، یک رابطه علی و یک مدل اندازه‌گیری (تحلیل عامل تأییدی) ادعا شده است. البته مدل‌های معادلات ساختاری، خود به چند دسته تقسیم می‌شوند. در واقع برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از طریق روش مدل‌یابی معادلات ساختاری، سه رویکرد در دسترس پژوهشگران است. رویکرد اول^۱، تراکم سازی کلی نام دارد که در آن، از نمره کل یک متغیر به‌عنوان نشانگر متغیر مکنون استفاده می‌شود؛ این رویکرد در ایران به نام «تحلیل مسیر» مشهور شده است. رویکرد دوم، تراکم سازی جزئی^۲ نام دارد که از مؤلفه‌های پرسشنامه به‌عنوان نشانگرهای متغیر مکنون استفاده می‌شود. رویکرد سوم نامتراکم سازی کلی^۳ نام دارد که از سؤالات پرسشنامه به‌عنوان نشانگر متغیرهای مکنون استفاده می‌شود^۴. تحقیق انجام شده در این مقاله براساس رویکرد دوم^۵ است.

1. Total Aggregation
2. Partial Aggregation
3. Tota Isaggregation
4. Vieira, A. 2011
5. Partial Aggregation



مدل ۴. مدل تجربی تحقیق

در مدل مورد بررسی، متغیرهای مکنون حائز اهمیت هستند. در قالب معادلات ساختاری بررسی شده‌اند که ۴۵ درصد از متغیر، وابسته، یعنی امنیت توسط دو متغیر مکنون دیگر یعنی رسانه نوین و هویت تبیین گشته است. رابطه علی در قالب مدل ساختاری، دارای ضرایب رگرسیون است که در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۱۲. ضرایب رگرسیون

متغیرها	مسیر تأثیر	برآورد	خطای استاندارد	نسبت بحرانی	معناداری	برآورد استاندارد (بتا)
هویت	ماهواره<<<	-/۳۷۴	/۰۷۱	-۵/۲۹۲	***	-/۴۷۴
امنیت	هویت<<<<	/۴۶۶	/۱۰۷	۴/۳۷۲	***	/۷۵۷
امنیت	ماهواره<<<<	/۱۳۱	/۰۵۳	۲/۴۸۰	/۰۱	/۲۶۹

همان‌طور که اطلاعات در جدول نشان می‌دهند، تمام روابط معنی‌دار هستند. متغیر هویت دارای بیشترین ضریب تأثیر بر متغیر امنیت است. مقدار بتای آن برابر با ۷۵۷ درصد و

فناوری‌های ارتباطی جدید، هویت و ... ❖ ۱۴۱

معناداری آن ۰۰۰ درصد است. همچنین متغیر ماهواره، دارای رابطه معناداری با ضریب بتای ۴۷۴- است. جهت ضریب منفی است؛ به این معنی که دارای تأثیر منفی بر هویت است و متغیر ماهواره نیز به صورت مستقیم، داری تأثیر مثبت و مؤثری بر امنیت است. هرچند معناداری آن نسبت به سایر روابط مؤثر کمتر است و ضریب بتای آن نیز ۲۶۹ درصد و نسبت به دو متغیر مذکور این ضریب دارای تأثیر کمتر است. در ادامه بر تحلیل عامل تأییدی یا همان مدل اندازه‌گیری می‌پردازیم.

جدول ۱۳. ضرایب رگرسیونی مدل اندازه‌گیری

متغیرها	مسیر تأثیر	برآورد	خطای استاندارد	نسبت بحرانی	معناداری	برآورد (بتا) استاندارد
هویت ملی	هویت)---	۱/۰۰۰	/	/	/***	۶۵۶
هویت مذهبی	هویت)---	۱/۱۲۹	/۱۸۹	۵/۹۷۵	/***	۶۲۴
امنیت قضایی	امنیت)---	۰۰۰، ۱	/	/	/***	۷۵۵
امنیت	امنیت)---	/۹۴۴	/۱۷۷	۵/۳۲۷	/***	۶۷۸

حال با مشخص شدن ابعاد و گویه‌ها برای مدل اندازه‌گیری به این سؤال پاسخ می‌دهیم: آیا سازه‌های پنهان امنیت و هویت با متغیرهایی که در قالب متغیر آشکار یا مشاهده‌پذیر ذکر شده‌اند، اندازه‌گیری می‌شود. همان‌گونه که ذکر شد نوع معادلات ساختاری در این تحقیق براساس رویکرد دوم^۱ است؛ به این معنی که از مؤلفه‌های پرسشنامه به‌عنوان نشانگرهای متغیر مکنون استفاده می‌شود. جدول فوق وضعیت این سؤال را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول آمده است، در متغیرهای مدل اندازه‌گیری مربوط به سازه پنهان، امنیت دو متغیر غیر مکنون، امنیت قضایی و مثبت می‌باشند. ضریب بتا در امنیت قضایی برابر است با ۷۵۵ درصد و در امنیت اجتماعی برابر است با ۶۷۸ درصد؛ همچنین متغیر هویت، از طریق دو متغیر آشکار هویت ملی و مذهبی اندازه‌گیری می‌شود که هر دو، دارای رابطه مؤثر معنی‌داری هستند. مقدار ضریب بتا برای متغیر یا بعد مذهبی هویت، برابر است با ۶۲۴ درصد و هویت ملی، برابر است با ۶۵۶ درصد که اهمیت نسبی هویت ملی بیشتر است. در ادامه به منظور بررسی سهم واسطه‌گری هویت بین متغیرهای پژوهش، از بوت استراپ در نرم‌افزار آموس ۲۲ استفاده شده است.

جدول ۱۴. ضرایب غیرمستقیم بوت استراپ

امنیت			هویت			ماهواره			متغیر
معداری	جدی	جدی	معداری	جدی	جدی	معداری	جدی	جدی	
...	/۰۰۰	/۰۰۰	...	/۰۰۰	/۰۰۰	...	/۰۰۰	/۰۰۰	هویت
...	/۰۰۰	/۰۰۰	...	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۱	-/۵۶۷	-/۲۰۳	امنیت
...	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۲۰	/۲۷۸	/۶۸۱	/۵۴۹	-/۱۷۱	/۰۶۳	امنیت اجتماعی
...	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۱	/۳۴۸	/۷۶۸	/۵۳۲	-/۱۷۵	/۰۷۸	امنیت قضایی
...	/۰۰۰	/۰۰۰	...	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۴	-/۳۸۹	-/۲۱۷	هویت مذهبی
...	/۰۰۰	/۰۰۰	...	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۷	-/۴۱۳	-/۲۲۴	هویت ملی

سال بیست و یکم، شماره پنجاهم، تابستان ۱۳۹۹ ❖

آنچه در جدول بالا مهم است بررسی نقش واسطه‌گری هویت در رابطه با متغیر مستقل رسانه نوین ماهواره (پیش‌بین) و متغیر وابسته امنیت است. آنچه جالب است این می‌تواند باشد؛ رسانه نوین با واسطه‌گری هویت بر امنیت به‌طور کل معنادار است، ضریب معناداری آن ۰/۱ است اما با هر یک از ابعاد امنیت اجتماعی و قضایی به‌صورت جداگانه معنادار نیست. پس متغیر واسط و مکنون هویت می‌تواند برای متغیر مکنون امنیت نقش واسطه‌گری داشته باشد.

جدول ۱۵. ضرایب مستقیم و غیرمستقیم

تأثیر غیرمستقیم			تأثیر مستقیم			
امنیت	هویت	ماهواره	امنیت	هویت	ماهواره	متغیر
۰	۰	۰	۰	۰	۰/۴۷۴-	هویت
۰	۰	۰/۳۵۹-	۰	۰/۷۵۷	۰/۲۹۶	امنیت
۰	۰/۵۲	۰/۰۶۱-	۰/۶۸۷	۰	۰	امنیت اجتماعی
۰	۰/۵۷۱	۰/۰۶۷-	۰/۷۵۵	۰	۰	امنیت قضایی
۰	۰	۰/۲۹۶-	۰	۰/۶۲۴	۰	هویت مذهبی
۰	۰	۰/۳۱۱-	۰	۰/۶۵۶	۰	هویت ملی

همان‌طور که در جدول آمده است، بیشترین تأثیر مستقیم را هویت بر امنیت قضایی گذاشته است. ضریب تأثیر آن برابر است با ۵۷۱ درصد و بعد از آن ماهواره، بر هویت ملی بیشترین تأثیر منفی را داشته است. البته ماهواره با ضریب تأثیر ۳۱۱/ -، بر هویت مذهبی نیز تأثیر غیرمستقیم منفی داشته و در تأثیر مستقیم، هویت با ضریب تأثیر ۷۵۷ درصد، بیشترین میزان تأثیر را بر امنیت داشته است و ماهواره نیز دارای تأثیر منفی و مستقیم بر هویت است.

بحث و نتیجه‌گیری

گسترش جهانی رسانه‌ها هرچند می‌تواند بر همه فرهنگ‌ها در اقصی نقاط جهان تأثیرگذار باشد، اما تأثیر آن در بعضی از زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی - فرهنگی نمایان‌تر و برجسته‌تر به نظر می‌رسد. بنا به اظهار نظر اکثر اندیشمندان و محققان فرهنگی، در سال‌های اخیر، گسترش رسانه‌های ارتباطی نوین و بعد فرهنگی جهانی شدن، بیشترین پیامدهای فرهنگی - امنیتی را برای ایرانیان، به‌ویژه جوانان، فراهم آورده است. پیامدهایی که نسبتاً ناهمگون بوده و در دو جهت جذب یا دفع افراطی رسانه‌های ارتباطی نوین و فرهنگ و ارزش‌های جهانی مدرن بوده است. می‌توان گفت آن بعد از جهانی شدن که ارزش‌های دینی و عرفی ما را به چالش کشیده است و توجه افراد و نهادهای زیادی را در دو جهت طرد و مخالفت یا پذیرش و تأیید، حتی شیفتگی بیش از حد، به خودش معطوف کرده است (امیری، ۱۳۹۰: ۸۰). به تعبیری مسئله مرکزی تعاملات جهانی امروز، تنش بین همگونی و ناهمگونی فرهنگی است (Appadurai 2001:44 46). این تنش در جامعه ما بر این اساس تشدید می‌شود که در مقابل فرهنگ جهانی که لیبرالیسم، دنیاگرا و آخرت‌گریز است، فرهنگ و اندیشه اسلامی، دارای ماهیتی غیردنیوی و جغرافیایی است (امیری، ۱۳۹۰: ۸۳). بر این اساس می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین زمینه‌های تأثیرگذار بر وضعیت امنیت و ناامنی جامعه ما که از دیرباز مورد توجه و بررسی نظری (نه / کمتر تجربی) بوده است، همچنین، پیامدهای امنیتی گسترش رسانه‌ها، برای همه گروه‌ها یکسان نیست و نگرانی‌های امنیتی افراد و گروه‌ها، در این بستر رسانه‌ای به‌واسطه جهت‌گیری‌های هویتی آنها تنوع می‌پذیرد. بدین ترتیب که فرض می‌شود میزان احساس امنیت افراد در این شرایط رسانه‌ای و فرهنگی جدید تا حد زیادی تحت تأثیر میزان پابندی، تعلق و تعهد آنان به هر یک از هویت‌های جمعی دینی، ملی یا علیه این هویت‌ها قرار دارد. هرچند منابع هویت‌یابی محلی و سنتی نیز فرصت بروز و ظهور یافته و خاص‌گرایی را دامن می‌زنند و موجب تقویت هویت ملی و مذهبی هستند (امینی‌زاده، بوستانی، ۱۳۹۵: ۱۳۹)، چنانچه همسو با نظریه بوزان، بپذیریم که امنیت اجتماعی به قابلیت الگوی سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی مربوط است و امنیت اجتماعی، به حفظ مجموعه ویژگی‌هایی

ارجاع دارد که افراد بر مبنای آن خودشان را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند (بوزان، ۱۳۷۸)؛ در مدل مورد بررسی متغیرهای مکنون حائز اهمیت هستند و در قالب معادلات ساختاری بررسی شده‌اند که ۴۵ درصد از متغیر وابسته امنیت، توسط دو متغیر مکنون دیگر، یعنی رسانه نوین و هویت، تبیین گشته است. متغیر هویت دارای بیشترین ضریب تأثیر بر متغیر امنیت است و مقدار بتای آن برابر با ۷۵۷ درصد و معناداری آن ۰۰۰ درصد است. همچنین متغیر ماهواره دارای رابطه معناداری با ضریب بتای ۴۷۴- است و جهت ضریب، منفی است؛ به این معنی که دارای تأثیر منفی بر هویت است و متغیر ماهواره نیز به صورت مستقیم، داری تأثیر مثبت و مؤثری بر امنیت است. هرچند معناداری آن نسبت به سایر روابط مؤثر کمتر است و ضریب بتای آن نیز ۲۶۹ درصد است که نسبت به دو متغیر مذکور، این ضریب تأثیر کمتری دارد. در متغیرهای مدل اندازه‌گیری مربوط به سازه پنهان، امنیت دو متغیر غیر مکنون، امنیت قضایی و امنیت اجتماعی، به ترتیب دارای بیشترین اهمیت نسبی برای متغیر مکنون امنیت هستند که همگی دارای رابطه معنادار و مثبت می‌باشند. ضریب بتا در امنیت قضایی برابر است با ۷۵۵ درصد و در امنیت اجتماعی، برابر است با ۶۷۸ درصد؛ همچنین متغیر هویت، از طریق دو متغیر آشکار هویت ملی و مذهبی اندازه‌گیری می‌شود که هر دو دارای رابطه مؤثر معنی‌داری هستند. مقدار ضریب بتا برای متغیر یا بعد مذهبی هویت برابر است با ۶۲۴ درصد و هویت ملی، برابر است با ۶۵۶ درصد که اهمیت نسبی هویت ملی بیشتر است. رسانه نوین با واسطه‌گری هویت بر امنیت، به‌طور کل معنادار است؛ ضریب معناداری آن ۰۱ درصد است اما با هر یک از ابعاد امنیت اجتماعی و قضایی، به‌صورت جداگانه معنادار نیست. پس متغیر واسطه و مکنون هویت می‌تواند برای متغیر مکنون امنیت نقش واسطه‌گری داشته باشد. نتایج حاصل با تحقیقات انجام‌گرفته، با بررسی بین مصرف رسانه‌های جمعی و احساس ناامنی (ربانی و همکاران) و مصرف رسانه‌های ارتباطی نوین و امنیت ملی کشورهای توسعه‌نیافته (رفیع و جانباز، ۱۳۹۲)، هم‌راستا است. براساس تحقیق رستگار خالد و محمدیان (۱۳۹۲)، بین میزان و نوع استفاده از اینترنت و احساس امنیت اجتماعی، رابطه منفی وجود دارد که این امر در این تحقیق نیز مشهود است.

همچنین مطالعه‌ی عزیززاده و محمدی (۱۳۹۴)، نشان می‌دهد که «وایر نوعی افتراق هویتی برای جوانان و سوزهای نسل‌های دیگر به وجود می‌آورد و موجب تقویت شکاف نسلی می‌شود». براساس مطالعه‌ی جان‌پرور (۲۰۱۱)، فضای سایبر دارای ظرفیت‌های منفی بالایی برای به چالش کشیدن و تأثیرگذاری بر امنیت اجتماعی است. آنچه مشخص است، تأثیر منفی رسانه نوین بر احساس امنیت است و این امر زمانی که واسطه‌گری هویت ملی و مذهبی وجود دارد، قابل تأمل است. در واقع رسانه ماهواره، دارای تأثیری منفی بر هویت‌های ملی مذهبی

است که به تبع آن، موجب تأثیر منفی بر احساس امنیت می‌گردد. بر این اساس برخلاف جوامع سنتی، در جوامع پیچیده مدرن، نه تنها یک نظام مقتدر واحد، بلکه چندین نظم نمادین^۱ رقیب می‌توانند هم‌زمان وجود داشته باشند که در درون نهادها یا «میدان‌های» خاص، در تنش با یکدیگر هستند؛ در این حالت، افراد، نه براساس تمایزهای طبقاتی که براساس «تمایز فرهنگی»، خودشان را تعریف می‌کنند. تمایزبایی فرهنگی در بیشتر مواقع از تمایزبایی طبقه‌ای متابعت نمی‌کند؛ به‌طور رادیکال‌تر، جوامعی وجود دارند که در آن‌ها، شخص نه تنها گونه‌های رقیبی از نظم نمادین را می‌بیند، بلکه دو نظم نمادین متفاوت در درون نهادهای اجتماعی عمیقاً متنازع را مشاهده می‌کند. این تمایزات نمادین هنگامی بداهت و شدت دارند که شخص از تقسیمات طبقاتی، به سمت تقسیمات قومی - ملی یا مذهبی، حرکت می‌کند (بورديو، ۱۳۹۰: ۴۰۲-۳۹۹). می‌توان گفت رسانه به‌گونه‌ای کار می‌کنند که منابع سنتی، هویتی مثل ملیت و مذهب را در قبال احساس امنیت تهدیدآمیز، جلوه می‌دهد؛ یعنی مواردی چون مذهب و ملیت که در دوره زمانی، طبق نظر کسپرسون، مخاطره نبودند، با تأثیر رسانه‌های نوین، می‌توانند نقش تهدیدآمیز برای احساس امنیت افراد جامعه فراهم کنند. از نظر کسپرسون، این به معنای تهدید واقعی نیست، بلکه ممکن است ناشی از تأثیر اغراق‌آمیز رسانه‌ها باشد که به بزرگ‌نمایی می‌پردازند. از طرفی گیدنز نیز با اشاره به تأثیر دوچندان رسانه‌های نوین در قالب از جاکندگی و فاصله‌گیری زمانی و مکانی، کانون‌های سنتی اعتماد و امنیت را همچون مذهب، سنت و ملیت را کم‌رنگ می‌کنند به نقل از گیدنز، چارچوب‌های حفاظتی سنتی در قالب اعتماد، توسط رسانه‌های نوین تضعیف می‌شود و جهان فراهم‌تر، برای فقدان حمایت احساس امنیتی و روانشناسی، توسط جایگاه‌های سنتی در جامعه می‌شود. نتایج تحقیق فوق نیز دال بر همین امر است که رسانه خود به‌تنهایی، در تأثیر مستقیم بر امنیت، جهت مثبتی دارد، اما زمانی که ما متغیرهای سنتی را همچون مذهب و ملیت، واسطه بین رسانه و احساس امنیت قرار می‌دهیم. تأثیر رسانه بر احساس امنیت منفی می‌شود؛ حال این تأثیر، حتماً به معنای تأثیری منفی نیست. از طرفی طبق نظر کسپرسون، احتمال این وجود دارد که این تأثیر اغراق‌آمیز باشد، اما آنچه نتایج نشان می‌دهد، جدای از اغراق‌آمیز بودن تأثیر رسانه‌ها، رسانه و ابعاد سنتی هویت در قبال مذهب و ملیت رابطه منفی مؤثری باهم دارند که به تبع آن، احساس امنیت افراد که ناشی از ابعاد سنتی بوده است، تضعیف می‌شود. در جامعه ایران نیز با وجود رسانه‌های داخلی و خارجی بسیار گسترده، تأثیر رسانه نیز غیرقابل انکار است که نیازمند بررسی‌های بیشتر در رابطه با رسانه نوین و ابعاد سنتی جامعه است.

منابع و مأخذ

- احمدی، حبیب؛ سمیه هاشمی و علی روحانی (۱۳۸۹). «بررسی رابطه وسایل ارتباطی نوین با هویت جنسیتی جوانان شهر شیراز». فصلنامه زن و جامعه جامعه‌شناسی زنان، شماره ۴: ۳۳-۲۰.
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۸). «چهره متغیر امنیت داخلی: بررسی نسبت امنیت داخلی با رقابت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴: ۵۲-۱۹.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰). نامنی جهانی: بررسی چهره دوم جهانی شدن، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- افروغ، عماد (۱۳۷۹). نگرشی دینی و انتقادی به مفاهیم سیاسی، تهران: نشر فرهنگ دانش.
- امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد و سیدسعید موسوی (۱۳۸۸). «جهانی‌شدن و روند عام‌گرایی و خاص‌گرایی در فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه مطالعات سیاسی، شماره ۹۶۷: ۷۵-.
- امینی‌زاده، سینا و داریوش بوستانی (۱۳۹۵). «همگرایی و واگیرایی هویت ملی، مذهبی و جهانی». فصلنامه توسعه اجتماعی، شماره ۳: ۱۳۳-۱۱۱.
- امیری، ابوالفضل (۱۳۹۰). «جهانی‌شدن فرهنگ و راهبردهای مقاومت فرهنگی». فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵۰: ۱۰۸-۸۳.
- بوردیو، پیر (۱۳۹۰). تمایز، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر ثالث.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیات، بهرام (۱۳۸۸). «بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت شهروندان تهرانی (با تأکید بر رسانه‌های جمعی، عملکرد پلیس و بروز جرائم)». فصلنامه انتظام اجتماعی، شماره ۱: ۵۵-۳۱.
- پیلتن، فرزاد (۱۳۸۳). «مفهوم‌شناسی امنیت و سیر تکوینی آن». فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، شماره ۳۸: ۵۹-۴۳.
- جان‌پرور، طهمورث و موصولو حیدری (۲۰۱۱). «آسیب‌شناسی فضای سایبر بر امنیت اجتماعی». فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره ۳: ۱۷۲-۱۴۱.
- رستگار خالد، امیر و فاطمه محمدیان (۲۰۱۳). استفاده از اینترنت و احساس امنیت اجتماعی (مورد مطالعه دانشگاه باهنر کرمان)، فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ - ارتباطات، شماره ۲۲: ۸۹-۵۳.
- عدلی‌پور صمد؛ وحید قاسمی و مسعود کیان‌پور (۱۳۹۲). «شبکه اجتماعی فیس‌بوک و هویت ملی جوانان»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۴: ۱۶۴-۱۴۱.
- علیزاده، توحید و نریمان محمدی (۲۰۱۶). «بررسی نقش شبکه اجتماعی وایبر در برساخت هویت نسلی جوانان». فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ - ارتباطات، شماره ۳۲: ۱۱۹-۱۴۴.
- وحید قاسمی (۱۳۹۲). مدل‌سازی معادله ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد، نشر جامعه‌شناسان. تهران.

- کچویان حسین و سیدحسین شهرستانی (۱۳۸۷). «معضله یا بحران هویت؟ بررسی و نقد گفت‌مان‌های هویتی النقاطی یا ترکیبی»، فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره ۳: ۷-۱۶.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰). پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ دوم، تهران: مرکز. مک کوایل، دنیس (۱۳۸۷). رسانه‌های نوین - نظریه نوین، ترجمه سعید شاه‌حسینی، بازیابی ۵ اسفند ۱۳۹۰ <http://www.anthropology.ir/node/1319>
- منطقی، مرتضی و احسان دین‌پرور (۲۰۱۳). «شکل‌گیری هویت پنهان در کاربران تلفن همراه و اینترنت». فصلنامه علمی - پژوهشی فناوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی، شماره ۱: ۲۶-۵.
- نویدنیان، منیژه (۱۳۸۵). «تأملی نظری در امنیت اجتماعی؛ با تأکید بر گونه‌های امنیت». فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱: ۷۳-۵۳.

- Aalbers, M. B., & Rancati, S. (2008). Feeling insecure in large housing estates: tackling unsicherheit in the risk society. *Urban Studies*, 45(13), 2735-2757.
- Ajami, N. K., Gupta, H., Wagener, T., & Sorooshian, S. (2004). Calibration of a semi-distributed hydrologic model for streamflow estimation along a river system. *Journal of Hydrology*, 298(1), 112-135.
- Appadurai, A., Chadha, A., Hodder, I., Jachman, T., & Witmore, C. (2001). The globalization of archaeology and heritage: a discussion with Arjun Appadurai. *Journal of social archaeology*, 1(1), 35-49.
- Boomen, M. (Ed). (2009). **Digital material: Tracing new media in everyday life and technology** (Vol. 2). Amsterdam University Press.
- Castells, M. (2000). Toward a sociology of the network society. *Contemporary sociology*, 29(5), 693-699
- Cooper, J., & Weaver, K. D. (2003). **Gender and computers: Understanding the digital divide**. Psychology Press.
- Gerber, M. M., Hirtlenlehner, H., & Jackson, J. (2010). Insecurities about crime in Germany, Austria and Switzerland: A review of research findings. *European Journal of Criminology*, 7(2), 141-157.
- Giddens, A. (1991). **Modernity and self-identity: Self and society in the late modern age**. Stanford university press.
- Kasperson, R. E., Renn, O., Slovic, P., Brown, H. S., Emel, J., Goble, R., & Ratick, S. (1988). The social amplification of risk: A conceptual framework. *Risk analysis*, 8(2), 177-187.
- Kinnvall, C. (2004). Globalization and religious nationalism: Self, identity, and the search for ontological security. *Political Psychology*, 25(5), 741-767.
- Kinnvall, C., & Jönsson, K. (Eds). (2002). **Globalization and Democratization in Asia: The construction of identity**. Psychology Press.
- Ling, R., & Horst, H. A. (2011). Mobile communication in the global south.
- Nuth, M. J. (2007). **Ontological security and the global risk environment: A case study of risk and risk perception in the tourist-dependent township of Akaroa**.

- Rothschild, E. (1995). What is security? *Daedalus*, 53-98.
- Tung, R. L. (2008). Human capital or talent flows: Implications for future directions in research on Asia Pacific.
- Vieira, A.L. (2011). **Interactive LISREL in Practice: Getting Started with a SIMPLIS Approach**, New York: Springer.
- Wilska, T-A. A nd Pedrozo, S., 2007. New technology and young people's consumer identities: a comparative study between Finland and Brazil. *Young Nordic journal of youth research*, 15 (4), 343"368.

مطالعات فرهنگ - ارتباطات